



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

دوره دوم
۲۸

سه شنبه، ۵ خرداد ۱۳۸۳

۲۵ مه ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

انترناسیونال

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

* آمریکا: بن بست عراق و بازی انتقال قدرت

* مجلس هفتم اسلامی در آستانه افتتاح

اعتراض موفقیت آمیز

کارگران شرکت دنده فن آور

صفحه ۳

هفته منصور حکمت

۵ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴

در آستانه پنجاه و سومین سالگرد تولد منصور حکمت و در گرامیداشت زندگی کوتاه و پربار بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر،

در ۵ تا ۱۲ ژوئن (هفته منصور حکمت) برنامه ها و فعالیتهائی در کشورهای مختلف انجام میشود.

همه انسانهای شریف و دوستداران کمونیسم و منصور حکمت را به شرکت در این برنامه ها دعوت میکنیم.

برای اطلاع از این برنامه ها به صفحه ۴ مراجعه کنید

مبارزه طبقاتی و احزاب سیاسی

منصور حکمت

این نوشته تئوریک مهم یک بحث عمومی درباره متد و نحوه ارزیابی از احزاب سیاسی است. این نوشته بخشی از کتاب "درباره فعالیت حزب در کردستان" است که ابتدا در اوت ۱۹۹۰ و سپس در جلد هفتم مجموعه آثار منصور حکمت منتشر شد.

مارکس چگونه در حرکت این انسانها، موقعیت آنها در مناسبات تولید و بعبارت دیگر موقعیت طبقاتی آنها را مبنا قرار میدهد. مبارزه طبقاتی، که ریشه در مناسبات تولید دارد اما نهایتاً چیزی جز پراتیک توده وسیع انسانها نیست، پیشبرنده تاریخ واقعی و عنصر تحول جامعه و مناسبات انسانها از شکلی به شکل دیگر است.

در جلسه قبل توضیح دادم که برای مارکس مبارزه طبقاتی شکل ایده آلیزه شده ای از جدال کسانی

تغییر یکی پس از دیگری سطوح مشخص تری را وارد بحث میکند، که هر یک ریشه در بنیاد اقتصادی جامعه دارند، تا بالاخره نه فقط نقش اراده و آگاهی و پراتیک انسان بلکه جایگاه خرافه و مذهب و پندارهای بشر را در تغییر اوضاع معین میکند و توضیح میدهد. برای مارکس، تاریخ از قوانین عینی ای تبعیت میکند، اما بهرحال این انسانها و حرکت آنها است که تغییر را باعث میشود و این قوانین را به عمل در میآورد. در جلسه قبل گفتیم که

تکامل تاریخی را در همین مناسبات پیدا میکنند. اما مارکس بطور بلافاصله و بلاواسطه از تولید به تغییر جامعه و روند تاریخ نقب نمیزند. مارکس گام به گام لایه ها و سطوحی از تحلیل را مطرح میکند و از تولید و بازتولید گام به گام بحث خود را کنکرت تر میکند تا به نقش پراتیک و اراده و عمل انسان در تغییر جامعه میرسد. بنابراین مارکس که قانونمندی تغییر جامعه را در مناسبات تولید جستجو میکند، برای توضیح مکانیسم عملی این

میدهد. بحث مارکس اینست که انسانها در تلاش ناگزیرشان برای بقا، فیزیکی خود و برای بازتولید خودشان بعنوان انسان وارد روابط متقابل اجتماعی میشوند. جامعه شکل اولیه و پیشفرض وجود انسان است. در هر مقطع انسانها در مناسبات اجتماعی با هم بسر میبرند که حول مساله تولید و بازتولید سازمان یافته است. بنابراین سوال اینست که این جامعه و این مناسبات چگونه تغییر میکند و از چه "حکمتی" تبعیت میکند. مارکس سرخ تمام

در سمینار قبل گفتیم که تبیین مارکس از تاریخ، و در واقع هرکس که معتقد به عینی بودن تاریخ است، این است که عینیت تاریخ در قانونمندی حرکت آن است. تاریخ یک سلسله وقایع و رویدادهای تصادفی نیست، رویدادهائی نیست که صرفاً بر مبنای اراده انسانهای هر دوره رخ داده باشد. تاریخ یک قانونمندی بنیادی دارد که بر مبنای آن حرکت میکند. در سمینار قبل سعی کردم بطور خلاصه بگویم که مارکس این قانونمندی را چگونه توضیح

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نیست که از طبقات سخن میگویند و بنام آنها جدال میکنند، بلکه کشمکش و تقابل دائمی در جامعه میان خود این طبقات است. جدالی عینی که دائما میان انسانهایی که در مکانهای مختلف تولیدی قرار گرفته اند در جریان است. این جدال هر روزه است، وقفه ناپذیر است و در ابعاد مختلف، خواه پنهان و خواه آشکار ادامه دارد. این روح تاریخ برای مارکس است. اگر تاریخ از حکمتی تبعیت میکند اینست که مناسبات تولیدی انسانها را در موقعیتی قرار میدهد که روبروی هم قرار میگیرند و اینها با کشمکش خود اصل مناسبات تولید را هم دگرگون میکنند. در نتیجه تاریخ جامعه از الگویی تبعیت میکند و در هر مقطع دارد به تضادهای موجود در مناسبات تولید پاسخ میدهد.

اما باز هم این بحث، یعنی بحث مبارزه طبقاتی، آخرین سطح کنکرت شدن مارکس در توضیح تاریخ نیست. مساله اینست که این تضادهای زیربنایی و کشمکش طبقاتی ناشی از آن خود را در یک کشمکش های روبنایی نشان میدهد که تنها از طریق آنها تضادهای زیربنایی حل و فصل میشود. تضاد میان محدودیت مناسبات تولید و رشد نیروهای تولیدی جامعه خود را بصورت طیفی از کشمکش ها میان انسانها بر سر مسائل متنوع، در ابعاد سیاسی، حقوقی، فکری، هنری، ادبی، ایدئولوژیکی و غیره نشان میدهد. این کشمکش ها در این سطح روبنایی، یعنی سطحی که بالاخره انسان را بعنوان عنصر فعاله وارد صحنه میکند، است که تکلیف تضادهای بنیادی را روشن میکند و جامعه را از یک مرحله تاریخی به مرحله ای دیگر میبرد. در بخش اعظم این تاریخ شعور انسانها و آگاهی آنها از روندهای زیربنایی ای که با جدال خود به جلو میبرند محدود است. بعنوان مثال، بورژوازی ایران در قرن نوزدهم پیدا میشود و گام به گام قرار است سرمایه داری در این کشور رشد کند و این نظام اجتماعی و

اقتصادی نوین بورژوائی جایگزین نظام کهنه بشود. این يك نیاز اجتماعی است که در رشد تولید و در مناسبات اجتماعی تولید ریشه دارد. اما این روند نه لخت و عریان تحت این پرچم، بلکه تحت يك سلسله کشمکش ها در سطح روبنایی تر و با پیدایش جنبش هایی با هدف های محدود و ویژه رخ میدهد. انقلاب مشروطیت میشود، صحبت از مدرن شدن تعلیم و تربیت و آموزش زنان میشود، از نقش مطبوعات و آزادی آنها صحبت میشود، از محدودیت حقوق سلطنت حرف زده میشود، ناسیونالیسم تقویت میشود و نیاز به ساختن يك هویت ملی برای ایران به جلو رانده میشود، رضا شاهی پیدا میشود، صنعت و مدرنیزاسیون اداری و تمرکز قدرت دولتی به يك امر تبدیل میشود، جنبش ملی شدن صنعت نفت پا میگیرد، مصدق و مصدقیزم پیدا میشود که آرمان استقلال سیاسی و حق حاکمیت ملی بورژوازی ایران را به جلو میراند، اصلاحات ارضی مطرح میشود، علیه وابستگی به امپریالیسم و دولت عروسکی پرچم بلند میشود. اینها هر يك آرمانهای انسانهای زیاد و امر سیاسی و مبارزاتی آنها بوده است. هر يك از اینها نمودار وجود جدالهای متعدد سیاسی و فکری و اقتصادی در میان بخش های مختلف جامعه است. انسانها در این جنبش ها و در این سنت های مبارزاتی و اعتراضی و انتقادی و حکومتی شرکت میکنند، اما با شرکت شان در اینها تکلیف کل بورژوائی شدن جامعه را روشن میکنند. اگر به این شیوه به تاریخ ایران نگاه بکنید، آنوقت از انقلاب مشروطیت تا جمهوری اسلامی يك روند مرکب اما جهت دار و دارای قانونمندی را به شما نشان میدهد. عروج بورژوازی ایران از درون نظام کهنه و سپس رو در روئی آن با آنتی تز خودش، تبدیل سرمایه داری ایران به نظام کهنه ای که اکنون خود مورد اعتراض است، چکیده این تحولات متنوع و درونمایه مکاتب و جنبش ها و سنت های مبارزاتی و شخصیت

های سیاسی مختلفی است که در تمام طول این دوره پیدا شده اند و نقش بازی کرده اند و به مضاف هم رفته اند. در این پروسه احزاب متعدد ساخته شده، نبردها شده، قلم ها بدست گرفته شده، جدالها صورت گرفته. اما هر کدام از اینها گوشه ای از يك تاریخ عینی و مادی را جلو برده است که حکمت و قانون اساسی آن در زیربنایی جامعه و جدال طبقات اصلی آن قابل مشاهده است.

احزاب سیاسی در این سطح از بحث و در این سطح از واقعیت وارد میشوند. احزاب سیاسی اشکال گرد آمدن انسانها و شرکت شان در این جدالهای متعدد و متنوع روبنایی است. و مستقل از اینکه این احزاب راجع به خودشان چه میگویند، با نگاه کردن به تاریخ واقعی که وجود آنها را ایجاد کرده است و با مشاهده اینکه در جهان مادی اینها عملا دارند کدام حرکت تاریخی را منعکس میکنند و به جلو میرانند میتوان درباره آنها حکم داد. بعبارت دیگر پشت هر کشمکش سیاسی و حقوقی و عقیدتی، يك کشمکش واقعی طبقاتی وجود دارد، که احزاب سیاسی را باید در چهارچوب و در سایه روشن با این جدالهای بنیادی ارزیابی و دسته بندی کرد. باید این را دید که حزب سیاسی از چه معضل مشخص در تاریخ مادی جامعه مایه گرفته است و به کدام معضل مشخص در آن دارد جواب میدهد. اینکه این حزب چرا وجود دارد، با این تاریخ واقعی چه رابطه ای دارد، آیا نقش مهمی دارد یا خیر، آیا جریانی بالنده یا میرنده است و غیره تماما باید با این متد قضاوت شود. کومه له و حزب کمونیست ایران را هم باید در پرتو همین بحث ارزیابی کرد.

کشمکش های بنیادی در جامعه هم به یکی منحصر نیست. در هر جامعه همواره نشانه هایی از گذشته و حال و آینده وجود دارد و در کنار آنچه موجود است جوانه هایی از آینده و بقیایانی از گذشته وجود دارد. جدال کار و سرمایه در جوار جدال سرمایه با مناسبات پیشین پیدا میشود و رشد میکند.

بعلاوه، در متن هر جدال اساسی طبقاتی هم اختلافات متعددی میان بخش های مختلف بر سر جزئیات و بر سر اشکال تحول اجتماعی مشاهده میکنید. این جدالهای اساسی و تمام سایه و روشن های درونی آن سرچشمه سنت های سیاسی هستند که احزاب سیاسی تازه در درون آنها متبلور میشوند و شکل میگیرند. بنابراین پیش از آنکه به احزاب سیاسی برسیم باید سنت ها و جریانات سیاسی را تشخیص بدهیم و اینکه هر يك از اینها نه فقط منافع کدام طبقه اجتماعی را منعکس میکنند، بلکه در درون اردوی این طبقه کدام تاکیدات، کدام اولویت ها و کدام افق ها را نمایندگی میکنند. لیبرالیسم بعنوان يك سنت سیاسی، که احزاب متعدد در جوامع مختلف بوجود آورده، با سنت ناسیونالیسم که آنهم احزاب متعدد داشته و دارد، هردو گرایشات و سنت های سیاسی يك طبقه اند، اما یکی نیستند و بارها در تاریخ جوامع اینها را حتی در برابر هم پیدا میکنیم. بنابراین تنوع احزاب سیاسی امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. پشت این احزاب طبقانند. اما این رابطه يك به يك نیست. تنوع احزاب سیاسی ناشی از این واقعیت است که انسانها در سطحی روبنایی، یعنی در اشکال سیاسی و حقوقی و فکری و غیره، وارد کشمکش های اجتماعی شده اند و کشمکش های بنیادی طبقاتی به طیف وسیعی از جدالهای سیاسی و مشخص در جامعه ترجمه میشود. بعبارت دیگر تقابل طبقات اصلی جامعه معضلات اجتماعی متعددی را مطرح میکنند، بر مبنای این معضلات گرایشات و سنت های مبارزه سیاسی متعددی شکل میگیرد و بر متن این سنت ها و گرایشات احزاب سیاسی بسیار متنوعی بوجود میآیند که در هر دوره پیشقراول و سازمانده فعالیت سیاسی انسانها بر مبنای این سنت ها و یا تلفیقی از آنها هستند.

از سوی دیگر، احزاب سیاسی ابزارهای گرایشات اجتماعی برای بسیج کل نیروی طبقه خویش تحت

پرچم اهداف و افق ویژه خود و برای حاکم کردن کل این اهداف و افق در سطح جامعه هستند. احزاب سیاسی، در درون هر سنتی که شکل گرفته باشند پیشروی کل جامعه و طبقات اصلی آن قرار میگیرند و برای بسیج کل پایه مادی خود در جامعه تلاش میکنند. تازه در این روند است که طبقات اجتماعی به کمک احزاب سیاسی به کشمکش های بنیادی میان خود معنی عملی و سیاسی میدهند. تنها به این طریق است که انسانها تناقضات ناشی از موقعیت اقتصادی شان و اختلاف در منافع پایه ای طبقاتی شان را به اختلافات سیاسی برسر تحولات کنکرت اقتصادی و سیاسی و غیره در جامعه ترجمه میکنند و قادر به عمل سیاسی میشوند. احزاب سیاسی کشمکش طبقاتی را متعین میکنند و فضای لازم برای دخالت انسانهای يك طبقه در تعیین تکلیف روندهای تاریخی را بوجود میآورند. احزاب سیاسی از شکافهای طبقاتی مایه میگیرند، اما در مرحله بعد خود تازه ظرف عمل سیاسی طبقات میشوند. تاریخ جامعه نه بصورت روئی لخت و عریان و غیر متعین طبقات جلو میبرد و نه بصورت مبارزه مستقیم و سازمانی احزاب با هم. بستر جلو رفتن این تاریخ کشمکش طبقات اجتماعی تحت پرچم سنتهای مبارزاتی و احزاب سیاسی معین است.

سنت های مبارزاتی و احزابی که این نقش را پیدا بکنند، یعنی بتوانند فشار عمومی و پایه ای مطالبات و افق های طبقاتی را به فشار سیاسی و مادی در جامعه تبدیل کنند، احزابی اجتماعی اند. احزاب دخیل در تاریخ هر دوره اند. اما معنی این حرف این نیست که این احزاب عینا نماینده کل آن منفعت طبقاتی و کل آرمان آن طبقه اند. جنبش سیاسی طبقه در هر دوره بالاخره به افق سیاسی و توان سنت سیاسی و حزبی که رهبری اش را بدست گرفته است محدود میشود. تاریخ واقعی، اما، تاکنون از طریق همین بسیج کل نیروهای طبقاتی حول افق های محدود جلو رفته است. *

اعتصاب موفقیت آمیز کارگران شرکت دنده فن آور

طبق خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، اعتصاب کارگران شرکت دنده فن آور برای دریافت کامل حق بهره وری، مدیریت این شرکت را مجبور کرد مبلغ پرداختی بابت حق بهره وری را به دو برابر افزایش دهد. این این همه مطالبه کارگران نیست. اعتراض کارگران برای تحقق کامل مطالبه خود ادامه دارد. شرکت دنده فن آور، وابسته به کارخانه مگاموتور، دارای ۴۸۰ کارگر است که در ۳ شیفت کار میکنند و تولید گیربکس این کارخانه را بعهده دارند.

همینکه کارگران متوجه میشوند که در حقوق آنها، تمام حق بهره وری (حق بهره وری در مقابل کار اضافی و تولید اضافی به اصطلاح به عنوان پاداش از طرف کارفرما به کارگران داده میشود) پرداخت نشده است، دست به اعتصاب میزنند. طبق قرارداد میان کارگران و کارفرما، کارفرما باید روزانه مبلغ ۲۴۰ تومان حق بهره وری به کارگران پرداخت شود اما کارفرما به تعدادی از کارگران ۶۰ تومان و به تعدادی ۸۰ تومان پرداخت میکند. روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت کارگران با اطلاع از این مساله مدیریت را مورد بازخواست قرار میدهند. بدنبال بحث با مدیر شرکت میان او و کارگران درگیری لفظی پیش می آید و به دخالت

این مجلس قریب پنجاه نماینده از آن اصلاح طلبان است و بقیه را طیفهای مختلف و فراکسیونهای محافظه کار نظیر "آباد گران" و "راستگرایان سنتی" و "خدمتگزاران مستقل" و طیفهای نزدیک به آنها تشکیل میدهند. بنا به گزارشها ریاست مجلس هفتم قرار است به حداد عادل چهره شاخص جناح راست سپرده شود. تاکنون بر سر ریاست مجلس و نقش روحانیون در مجلس و غیره اختلافاتی بین فراکسیونهای مجلس بروز کرده است و بی تردید این اختلافات به صحنه مجلس نیز کشیده خواهد شد. اما آنچه اکنون بر همگان روشن است اینست که مجلس اسلامی چه با اکثریت دو خردادی و چه با اکثریت جناح مقابل شاخصی برای ارزیابی وضعیت کل جمهوری اسلامی و صحنه سیاسی در ایران نبوده و نخواهد بود. این مجلس هیچگاه نقش مهمی در اوضاع ایران نداشته است. سرنوشت این حکومت و کل سیاست در ایران را رابطه توده های میلیونی کارگران و مردم با کل این حکومت تعیین می نماید و در این رابطه این مجلس اگر چیزی را بخواهد نشان دهد بن بست پروژه اصلاح حکومت و نبود هیچ راه حلی برای این رژیم برای بیرون رفتن از حلقه نفرت و انزجار مردم است. پادوهای حکومتی میتوانند در مجلس اسلامی شان به سروکول یکدیگر بپزند اما مردم سالهاست که کل این حکومت و دستجات آنرا مسبب جهنم حاکم در ایران می دانند و مصممند کل این بساط را با مجلس و ولی فقیه و دولت دم و دستگاه سرکوش در هم کوبند. باید امیدوار بود که مجلس هفتم اسلامی بعنوان آخرین مضحکه پارلمانی حکومت اسلامی جای خود را در زباله دان تاریخ حفظ کند. *

فرورفتن در باتلاق جنگ و ترور در عراق، به این سازمان نیازمند شده اند. آنها میخواهند فشارهای رسمی و بین المللی را از روی خود بردارند و بحران را به دامان سازمان ملل و ناتوانی این سازمان بیندازند. آنها در عین حال امیدوارند که پای چند کشور پرو آمریکائی مسلمان را تحت عنوان "نیروهای حافظ صلح" به بحران عراق بکشانند. این در عین حال برای جرج بوش که با مساله انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در شش ماه آینده روبروست، قرار است راهی بگشاید که خود و راست ترین جناح راست آمریکا را از زیر ضرب انتقاد و خشم و نفرت داخلی و بین المللی بیرون بکشد، و به آنها امکان دهد که تحت عنوان اینکه آمریکا در آستانه بیرون کشیدن نیروهایش از عراق میباشد، دست به یک تعرض تبلیغاتی بزنند. سرنوشت و آینده عراق را این بازیها تعیین نمیکند بلکه توازن قوا میان نیروهای واقعی درگیر در این جامعه است که حرف آخر را خواهد زد. در دل ظلمت جنگ و تروریسم کور و بمبها و انفجارات، صدای مردم میلیونی عراق چندان به گوش نمیرسد. اما بی تردید روزی که مردم امکان یابند پا به میدان بگذارند و خواست و آرزوی خویش را فریاد زنند، ارتشهای تادندان مسلح و دستجات ترور اسلامی و کل سناریوهای جهنی آنها میدانی برای بقاء و یکه تازی در این جامعه نخواهند داشت.

مجلس هفتم اسلامی در آستانه افتتاح

مجلس اسلامی در روز هفتم خرداد ماه یعنی سه روز دیگر قرار است افتتاح شود. از حدود ۳۰۰ نماینده



کازم نیکخواه

در حاشیه رویدادها

آمریکا: بن بست عراق و بازی انتقال قدرت

بنا به گزارشها دولت های آمریکا و انگلستان امروز دوشنبه ۲۳ ماه مه قطعنامه تازه ای را در مورد اوضاع عراق به اعضای شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده اند تا بزرودی مورد بحث قرار گیرد. از محتوای این قطعنامه اطلاع دقیقی در دست نیست اما گفته میشود که این قطعنامه قرار است راهی را برای دخالت سازمان ملل و کشورهای عضو این سازمان در اوضاع عراق بگشاید و از این طریق معضل و کلاف سردرگمی را که حکومت بوش و بلر در عراق در آن گرفتار آمده اند، به نحوی بگشاید. قطعنامه اخیر به طرح انتقال قدرت به "حکومتی از مسئولان عراقی" که آمریکا قول آنرا برای ۳۰ ژوئن داده است، مستقیماً مربوط میشود. از سوی دیگر اخضر ابراهیمی نماینده دبیر کل سازمان ملل در بغداد بسر میبرد و گزارش شده است که او اعضای آنچه "دولت انتقالی آینده عراق" نامیده میشود را انتخاب کرده و اکنون مشغول مذاکره برای تعیین نخست وزیر و رئیس جمهوری آینده این کشور است. اسامی وزرای و سران این "حکومت" نیز بنا به گزارشها هفته آینده اعلام خواهد شد.

همه کس میدانند که اینها همه تشریفاتی توخالی است. سرنوشت بحران عراق را این قطعنامه ها و دولتهای پوشالی و ساخت و پاخت ها تعیین نمیکند. دولت آمریکا که پیش از شروع جنگ و در حین مذاکرات کشورهای عضو سازمان ملل، کل این سازمان را به تحقیر و تمسخر گرفتند و در گرماگرم بحث و مذاکرات جنگ را آغاز کردند، با

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

هفته منصور حکمت

۱۲ - ۵
ژوئن
۲۰۰۴



در آستانه پنجاه و سومین سالگرد تولد منصور حکمت و در گرامیداشت زندگی کوتاه و پربار بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر، در ۵ تا ۱۲ ژوئن (هفته منصور حکمت) برنامه ها و فعالیتهائی توسط واحدهای حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور و انجمن مارکس - حکمت لندن انجام میشود. این برنامه ها شامل سخنرانی و سمینار در معرفی دیدگاههای منصور حکمت، نمایشگاه آثار منصور حکمت، نمایش فیلم و میزهای اطلاعاتی خواهد بود.

هدف از این برنامه ها شناساندن اهداف و نظرات کمونیستی و عمیقاً انسانی منصور حکمت در تلاش برای ایجاد يك دنیای بهتر و انسانی است.

ما همه انسانهای شریف و دوستداران کمونیسم و منصور حکمت را به شرکت در این برنامه ها دعوت میکنیم.

سخنرانی و سمینار

شنبه ۵ ژوئن ۲۰۰۴

تورتو (کانادا)

از مارکسیسم انقلابی تا کمونیسم کارگری
مروری بر سیر تکوین کمونیسم منصور حکمت
سخنران: حمید تقوایی
شنبه ۵ ژوئن، ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر
مکان: دانشگاه تورتو، ۱۰ کینگز کالج،
سالن ۱۱۰۵

لندن (انگلستان)

منصور حکمت و جنبش های اجتماعی
سخنرانان:

آذر مدرسی، نادیه محمود، کاظم نیکخواه
شنبه ۵ ژوئن، ساعت ۱۱ صبح تا ۴ بعد از ظهر
مکان: Pentonville road 187
nearest tube station King's Cross
تماس: سعید آرمان
تلفن: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

اسلو (نروژ)

در افزوده های منصور حکمت به مارکسیسم
سخنران: ایرج فرزاد
زمان: شنبه ۵ ژوئن
مکان: کتابخانه مرکزی شهر اسلو
تماس: داریوش نیکنام
تلفن: ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱

یکشنبه ۶ ژوئن ۲۰۰۴

سمینار یک روزه

انجمن مارکس - حکمت لندن

جایگاه کاپیتال مارکس:
منصور حکمت (نمایش فیلم)
نگاهی به آثار اخیر منصور حکمت
سخنران: فاتح شیخ

منصور حکمت و تجربه شوروی

سخنران: کورش مدرسی

منصور حکمت و مساله زن

سخنران: مینا احدی

کمونیسم منصور حکمت و قدرت سیاسی

سخنران: رحمان حسین زاده

"اساس سوسیالیسم انسان است"

سخنران: آذر ماجدی

محل جلسه بعدا اعلام خواهد شد

تماس: نسرين جلالی،

تلفن: ۰۷۷۰۸۱۲۵۹۹۳ (+۴۴)

ای میل:

marxhekmatociety@ukonline.
co.uk

جمعه ۱۱ ژوئن ۲۰۰۴

مالمو (سوئد)

منصور حکمت و قدرت سیاسی

سخنران: عبدالله دارابی

نمایش فیلم، اسلاید شو، غرفه اطلاعاتی

جمعه ۱۱ ژوئن، ساعت ۶ بعد از ظهر

مکان:

Studie framjandet/Y stadgatan 53

تماس: سیامک بهاری

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

شنبه ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴

کلن (آلمان)

در افزوده های منصور حکمت به مارکسیسم

سخنران: کوروش مدرسی

نقش و جایگاه منصور حکمت در تحولات

چپ عراق

سخنران: طاهر حسن

زمان: ۱۲ ژوئن، ساعت ۵ بعد از ظهر

مکان

Koln, Kalk+Mulheimer str 58.

تماس: نسان نودینیان

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

استکهلم (سوئد)

"اساس سوسیالیسم انسان است"

سخنران: آذر ماجدی

کمونیسم منصور حکمت و قدرت سیاسی

سخنران: رحمان حسین زاده

مکان فرد در نگرش کمونیسم کارگری، از

مارکس تا منصور حکمت

سخنران: سیاوش دانشور

زمان: ۱۲ ژوئن، ساعت ۴ بعد از ظهر

مکان: Kista/kista traff

تماس: سیامک بهاری

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

هلسینکی (فنلاند)

درافرزده های منصور حکمت به مارکسیسم

سخنران: ایرج فرزاد

مکان: Vuosaarin Nuorisotalo جنب

بازار Kolubus

شنبه ۱۲ ژوئن، ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر

تماس: اسماعیل ویسی

تلفن: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

یکشنبه ۱۳ ژوئن ۲۰۰۴

گوتنبرگ (سوئد)

"اساس سوسیالیسم انسان است"

سخنران: آذر ماجدی

مکان فرد در نگرش کمونیسم کارگری، از

مارکس تا منصور حکمت

سخنران: سیاوش دانشور

نمایش فیلم، اسلاید شو، موزیک زنده، غرفه

اطلاعاتی

زمان: ۱۳ ژوئن، ساعت ۳ بعد از ظهر

مکان: Folketshus, Jarntorget

تماس: سیامک بهاری

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

نمایشگاه آثار منصور حکمت،

نمایش فیلم، میزهای اطلاعاتی

آمریکا:

لوس آنجلس:

یکشنبه ۱۳ ژوئن، ساعت ۴ بعد از ظهر

مکان: ساختمان ام جی ام، ۲۵۰۰ برادوی

دالاس:

یکشنبه ۶ ژوئن، ساعت ۱ تا ۵ بعد از ظهر

مکان Bobwoodruf در ایست پلینیو

هوستون:

شنبه ۵ ژوئن، ۳ تا ۵ بعد از ظهر

مکان هیلز کراس جنب سوپر ونک

تماس: مینو همتی، تلفن:

کلن، برمن، فرانکفورت، برلین (آلمان)

۵ تا ۱۲ ژوئن

تماس: نسان نودینیان

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

لندن (انگلستان)

پنجشنبه و جمعه ۱۰ و ۱۱ ژوئن در منطقه

High street Kensington

تماس: سعید آرمان

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

تامپره (فنلاند)

۵ تا ۱۲ ژوئن

مکان: موزه لنین در مرکز شهر تامپره

تماس: اسماعیل ویسی

تلفن: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

اسلو (نروژ)

شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ ژوئن در کتابخانه

مرکزی شهر

تماس: داریوش نیکنام

تلفن: ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱